

سؤال/جواب ۶: معنی این که تمام قرآن در «باء» و آن «باء» همان امیرالمؤمنین است

سؤال / ۶: ما معنی أن القرآن كله في نقطة الباء، وأن أمير المؤمنين علي (ع) هو النقطة؟

پرسش ۶: این که قرآن در نقطه ی «باء» است و امیرالمؤمنین علی (ع) آن نقطه است، چه معنایی دارد؟

الجواب: إن هيئة الباء هي: وعاء امتلاً وبدأ يفيض على غيره، ويتقاطر محتواه من أسفله. كما أن هيئة النون هي: وعاء يستقبل الفيض من أعلاه، ويتقاطر فيه العلم من مولاه، (وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا) ([116]).

پاسخ: شکل «باء» به صورت ظرفی است که لبریز گشته، بر دیگران افاضه می کند و محتوای آن از پایینش قطره قطره می چکد. همان طور که شکل نون نیز به صورت ظرفی است که از بالایش فیض را دریافت می کند و علم از مولایش قطره قطره در آن می چکد. (و بگو: پروردگارم، بر علمم بیافزای) ([117]).

وخطب الله سبحانه وتعالى رسوله الكريم محمداً ب (ن)، قال تعالى: (نُ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ) ([118]).

خدای سبحان و متعال پیامبر کریمش حضرت محمد (ص) را با «ن» مورد خطاب قرار داده است. حق تعالی می فرماید: (نون، سوگند به قلم و آنچه می نویسند) ([119]).

وأما القلم في هذه الآية فهو: علي (ع)، قال الإمام الصادق (ع): (ن، اسم لرسول الله والقلم اسم لأمير المؤمنين (ع)) ([120]).

در این آیه قلم علی (ع) است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ن اسم رسول الله (ص) است و قلم اسم امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد».[121]

والقلم يأخذ المداد من (ن) وينقله إلى الكتاب ويسطر فيه. فالقلم له أحوال، فهو ساعة نون وساعة باء، وساعة نقطة النون، وساعة نقطة الباء، وكذلك أمير المؤمنين (ع)، فهو باب رسول الله وباب مدينة العلم، فمنه يفاض على الخلق. فهو الباء ونقطة الباء [122] والقلم والمداد الذي يحمله القلم. وللنقطة أحوال فهي الفيض النازل من الله إلى الرسول، ومن الرسول إلى علي (ع)، ومن علي (ع) إلى الخلق. فالنقطة النازلة من الله إلى رسوله هي القرآن، والرسول هو (ن) ونقطة النون أيضاً.

قلم، جوهر را از «ن» می‌گیرد و آن را به کتاب منتقل می‌کند و در آن می‌نویسد. قلم را احوالی است؛ ساعتی نون است و ساعتی باء. ساعتی نقطه‌ی نون است و ساعتی نقطه‌ی باء. امیرالمؤمنین (ع) نیز همین‌گونه است؛ ایشان باب رسول الله (ص) و باب شهر علم است و از او بر خلق افاضه می‌شود، پس او باء و نقطه‌ی باء است [123] و قلم و جوهری است که قلم (آن جوهر را) با خود حمل می‌کند. برای نقطه (نیز) احوالی وجود دارد؛ نقطه، فیض نازل شده از خداوند بر پیامبر (ص) و از پیامبر (ص) بر علی (ع) و از علی (ع) بر خلق است. نقطه‌ی نازل شده از سوی خدا بر پیامبرش قرآن است، و پیامبر (ص) همان «ن» و نیز نقطه‌ی نون می‌باشد.

ثم إنَّ الرسول بالنسبة لعلي (ع) يمثل الباء ونقطة الباء، وعلي بالنسبة للرسول يمثل (ن) ونقطة النون، وعلي (ع) بالنسبة للخلق يمثل الباء ونقطة الباء. سپس پیامبر نسبت به علی (ع) مانند باء و نقطه‌ی باء است و علی نسبت به پیامبر (ص) مانند «ن» و نقطه‌ی نون است و علی نسبت به خلق، مانند باء و نقطه‌ی باء می‌باشد.



[116] - طه : 114.

[117] - طه : 114.

[118] - القلم : 1.

[119] - قلم : 1.

[120] - مستدرک سفینه البحار للشیخ علی النمازی : ج 8 ص 582 - 583.

[121] - مستدرک سفینه البحار شیخ علی نمازی: ج 8 ص 582 و 583.

[122] - والحديث هو ما ورد عن أمير المؤمنين (ع): (إن علوم الكون كلها في القرآن، وعلوم القرآن كلها في السبع المثاني، وعلوم السبع المثاني في البسملة، وعلوم البسملة في النقطة، وأنا تلك النقطة) الأربعون حديثاً للشيخ إبراهيم الخوئي : ص 231.

[123] - حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: «علوم هستی، جملگی در قرآن است و تمام علوم قرآن در سبع مثانی (فاتحه) و علوم سبع مثانی در بسمله و علوم بسمله در نقطه است و من آن نقطه هستم». چهل حدیث شیخ ابراهیم خوبی: ص 231.